

برآوردهای اطلاعاتی ارتش جمهوری اسلامی ایران از تحركات نظامی رژیم بعث عراق (۵۹-۱۳۵۷)

محمدعلی قهرمانپور^۱، سید محمدکاظم سجادپور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

چکیده:

یکی از فرضیات مطرح علیه ارتش جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از آثار تولید شده پیرامون جنگ تحمیلی، فقدان برآورد اطلاعاتی از تحركات نظامی عراق و در نتیجه غافلگیری در مقابل تهاجم سراسری عراق به ایران در سی و یکم شهریورماه ۱۳۵۹ ش. است. تکرار این کلان گزاره در آثار مختلف، در عمل آن را به یک مفروض بدیهی و بی چون و چرا در بررسی تاریخ تحولات پیش از وقوع جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران تبدیل کرده است. از این رو مقاله حاضر تلاش می کند با استفاده از برخی اسناد و مدارک موجود در بایگانی های راکد ارتش جمهوری اسلامی ایران در حد فاصل سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ ش. یعنی از مقطع پیروزی انقلاب اسلامی تا تهاجم سراسری عراق به خاک ایران به بررسی صحت و سقم ادعای یادشده بپردازد. این پژوهش، با روش توصیف تاریخی، در نهایت فرضیه مقاله را تایید و مشخص کرد که در بازه زمانی مورد نظر، ارتش جمهوری اسلامی ایران با رصد دقیق تحركات نیروهای مسلح عراق و برآوردی واقع بینانه از توان نظامی پایین تر ایران به دنبال بر هم خوردن موازنه قوا دست کم از خردادماه ۱۳۵۸ ش. پیوسته احتمال حمله کشور همسایه را پیش بینی می کرد و آن را به سطوح راهبردی کشور گزارش می داد. به عبارت دیگر، نه تنها فرضیه غافلگیری ارتش جمهوری اسلامی ایران در برابر تهاجم عراق به ایران در شهریورماه ۱۳۵۹ ش. ابطال می شود که حتی مشخص می گردد مهمترین نیروی نظامی کشور، در مقطع زمانی مزبور، ضمن پیش بینی های متعدد و انعکاس مکرر خطر به رده های تصمیم ساز، در حد مقدمات زمانه، تدابیری نیز برای مقابله با وقوع حمله طراحی کرده بود.

واژگان اصلی: جنگ تحمیلی، جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، ارتش، پیش بینی جنگ.

۱. دانشجوی دکتری رشته ایران شناسی، بنیاد ایران شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

maghahreman@yahoo.com

۲. استاد روابط بین الملل، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران

مقدمه

جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران از مهمترین مقاطع تاریخ دو کشور و نیز کل منطقه‌ی غرب آسیاست که تأثیرات دیرپایی، در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، راهبردی و غیره برجای گذاشت و با وجود گذشت نزدیک به چهار دهه از پایان جنگ، اثرات مذکور کماکان قابل ردیابی هستند. در چنین شرایطی، تلاش برای کندوکاو درباره دوران دفاع مقدس تبدیل به دغدغه عمومی پژوهشگران حوزه‌های گوناگون علوم انسانی شده است. در این میان، بیشتر پژوهش‌های حوزه دفاع مقدس در ایران بر بازه زمانی وقوع جنگ و بعد از آن متمرکز شده‌اند و آثار چندانی درباره دلایل و علل وقوع جنگ و نیز وضعیت دو کشور، منطقه و جهان در آستانه حمله سراسری عراق به رشته تحریر درنیامده‌اند. حال آنکه مقطع کوتاه پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷ ش. تا آغاز تهاجم سراسری عراق به ایران در شهریورماه ۱۳۵۹ ش. در ریشه‌یابی دلایل و علل شروع جنگ تحمیلی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ در این میان، این سوال مطرح می‌شود که برآورد اطلاعاتی ارتش جمهوری اسلامی ایران، به مثابه نیروی دفاعی اصلی کشور در زمان یادشده، از تحرکات نظامی عراق چه بود؟ به عبارت دیگر آیا در سطح اطلاعاتی، ارتش جمهوری اسلامی ایران در برابر تهاجم سراسری عراق غافلگیر شد یا خیر؟

در پاسخ به این سوال و بر مبنای اسناد و مدارک منتشره و یا موجود در بایگانی‌های راکد ارتش جمهوری اسلامی ایران، مشخص می‌گردد که ارتش از همان نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن رصد شبانه‌روزی تحرکات نظامی و مرزی عراق، پیوسته خطر و احتمال حمله این کشور را مطرح می‌کرد و حتی برای مقابله با همسایه غربی راهبردهایی نیز، البته در حد مقدمات زمانه، در نظر گرفته بود. این نکته نیز لازم به ذکر است که مقاله حاضر تنها به بررسی هشدارهای ارتش جمهوری اسلامی ایران درباره احتمال وقوع جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران می‌پردازد و به مساله بازتاب این گزارش‌ها در سطوح راهبردی کشور وارد نمی‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیف تاریخی و در تلاش برای تولید داده‌های تازه (به‌مثابه گزاره‌هایی مستخرج از فکت‌های موجود در عالم خارج) با تکیه بر اسناد گوناگون است. به عبارت دیگر، به زعم نگارنده مهمترین وظیفه یک پژوهش تاریخی در وهله نخست «توصیف عمیق

و گسترده گذشته» و بیان چگونگی وقوع رخداد‌های تاریخی است نه چرایی وقوع آنها هرچند در نهایت حتی پژوهش توصیفی نیز به طور کامل از تبیین منفک نیست و تا حدی به مساله چرایی هم پرداخته می‌شود. بنابراین، از آنجاکه حجم داده‌های جدید در پژوهش حاضر بسیار زیاد است، نویسنده وارد حوزه نظریه‌آزمایی / نظریه‌پردازی نشد لذا پژوهش حاضر فاقد چارچوب نظری است.^۱

پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه پژوهش حاضر، اگر معدود آثاری را کنار بگذاریم که ارتش جمهوری اسلامی ایران چاپ کرده است و در آنها، به صورتی گذرا، به انتظار ارتش برای حمله عراق اشاره شده است،^۲ در عموم آثار، سخن از غافلگیری اطلاعاتی ارتش در برابر حمله عراق رفته است که برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

اکبر هاشمی رفسنجانی در کتاب «انقلاب در بحران» با اشاره به اینکه مدت‌ها قبل از شروع تهاجم سراسری عراق در سی و یکم شهریور ۱۳۵۹ ش. می‌نویسد: «تقریباً می‌شد شروع تهاجم عراق را پیش‌بینی کرد» اما همو چند سطر بعد این سوال را پیش می‌کشد که «چرا نیروهای نظامی و امنیتی ایران ... قادر به پیش‌بینی قطعی تجاوز صدام و پیش‌گیری از آن نشدند؟» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۶: ۲۲۶).

محمد درودیان، پژوهشگر حوزه دفاع مقدس، نیز از جمله افرادی است که بارها از «حمله غافلگیرانه عراق» سخن گفته است. او حتی تا جایی پیش می‌رود که در پاسخ به جوایبه امیر سرتیپ رحمان اکبرآبادی، فرمانده اسبق تیپ سراب نزاجا، که در مکتوبی غافلگیری ارتش در

^۱ برای اطلاع از «وظیفه‌ی رشته‌ای» دانش تاریخ، ن ک: حضرتی، حسن. (۱۴۰۱). «در باب مهمترین وظیفه رشته‌ای مورخان». در مورخان و امر قدسی، به کوشش فاطمه بختیاری، ۷۷-۹۷. حضرتی کتاب دیگری هم دارد که به زعم صاحب این قلم مهمترین اثر موجود به زبان فارسی درباره روش‌شناسی پژوهش تاریخی محسوب می‌شود. از این رو، نگارنده مقاله حاضر نیز اساس بحث خود در این زمینه را از آن وام گرفته است. برای اطلاع بیشتر در این باره، نک: حضرتی، حسن. (۱۳۹۷). روش پژوهش در تاریخ‌شناسی. قم: لوگوس.

^۲ برای نمونه می‌توان از این دو کتاب یاد کرد:

حسینی، سید یعقوب (۱۳۸۷). تاریخ نظامی جنگ تحمیلی. تهران: هیات معارف جنگ شهید سپهد علی صیاد شیرازی.
حسینی، سید یعقوب (۱۳۸۷). طرح عملیاتی دفاعی ابوذر. تهران: هیات معارف جنگ شهید سپهد علی صیاد شیرازی.

مقابل حمله عراق را رد کرده بود، به طور تلویحی از نبود اسنادی سخن می‌گوید که «تا قبل از شهریور ۱۳۵۹» نشان‌دهنده‌ی پیش‌بینی «احتمال وقوع جنگ» و در نتیجه «غافل‌گیر نشدن ارتش» باشند (دروودیان، تارنمای شخصی نویسنده، ۱۳۹۸).

حسین علایی از دیگر پژوهشگران تاریخ دفاع مقدس به شمار می‌رود که اتهام غافلگیری ارتش را تکرار کرده و حتی فصلی از یک کتاب خود را «غافلگیری» نامیده است. به باور این نویسنده، با وجود اعلام هشدار «لشگرهایی از ارتش» درباره خطر وقوع جنگ، «رده‌های بالا گویا از نیت تهاجمی ارتش عراق اطلاع کافی نداشتند» هرچند دقیق مشخص نمی‌کند که منظور از «رده‌های بالا» چه کسانی هستند. با توجه به کاربرد متعارف این اصطلاح برای اشاره به مقامات ارشد نظامی، بعید به نظر می‌رسد که او منظوری غیر از مقامات وقت ارشد ارتش را مراد کرده باشد. این گمانه به‌خصوص وقتی تقویت می‌شود که چند سطر بعد، علایی به نقل از یک خاطره شفاهی، از قول سرهنگ قاسم ظهیرنژاد، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش در آستانه شروع جنگ تحمیلی، می‌نویسد که «عراق جرات حمله به ایران را ندارد». (علایی، ۱۳۹۱: ۱۸۶/۱-۱۸۳).

تداوم رصد اطلاعاتی تحرکات نظامی عراق توسط ارتش ایران

اگرچه تفاهم الجزایر میان ایران و عراق در اسفندماه ۱۳۵۳ ش./مارس ۱۹۷۵ م. و متعاقب آن قرارداد منعقدشده میان طرفین در خردادماه ۱۳۵۴ ش./ژوئن ۱۹۷۵ م.^۱ به دوره‌ای پرتنش در روابط تهران - بغداد پایان داد، اما شواهد زیادی حاکی از امکان شروع دوباره درگیری‌های نظامی حکایت می‌کرد. در چنین فضایی، و علی‌رغم برخی همکاری‌های موثر میان دو همسایه، که «ترش‌رویی» رژیم بعث نسبت به ایران تاحدی پنهان شده بود،^۲ ارتش با دقت به رصد تحرکات نیروهای مسلح عراق در نوار مرزی می‌پرداخت، برنامه‌ای که حتی وقوع انقلاب اسلامی هم آن را متوقف نکرد.

^۱ برای اطلاع بیشتر از متن تفاهم الجزایر و قرارداد ۱۳۵۴ ش./۱۹۷۵ م. نک: وزارت امور خارجه. (۱۳۷۹). اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول؛ جلد نهم. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

^۲ تعبیری که حسین شهیدزاده، سفیر ایران در عراق از سال ۵۲ تا ۵۵، به کار برده است. او نقش مهمی در تنش‌زدایی از روابط ایران و عراق در اواسط دهه پنجاه شمسی داشت. برای اطلاع بیشتر درباره کارنامه شهیدزاده در ارتباط با برخورد با عراق، نک: شهیدزاده، حسین. ۱۳۸۲. ره‌آورد روزگار: گزیده خاطره‌ها، همراه با نقدهای مقطعی از وضع سیاسی - دیپلماسی ایران در سالهای پیش از انقلاب. تهران: اطلاعات.

بدیهی است که این تداوم اهمیت و حساسیت بالای مساله را برای ایران نشان می‌دهد. با این وجود و به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، ارتش و ژاندارمری به عنوان دو نهاد مسئول حراست از مرزهای کشور دچار مشکلات عدیده‌ای شدند و رژیم بعثی حاکم بر عراق با استفاده از فرصت تعرضات مرزی خود را از بهار ۱۳۵۸ ش. آغاز کرد که روزه‌روز خشن‌تر هم می‌شد.^۱

آغاز دور تازه تعرضات مرزی عراق

اگر از برخوردهای مرزی تابستان ۱۳۵۷ ش. آخرین ماه‌های رژیم پیشین، صرف‌نظر کنیم (زندفرد، ۱۳۸۳: ۲۲۴) باید گفت زمینه‌چینی برای شروع تجاوزات مرزی حتی از بهمن‌ماه ۱۳۵۷ ش. و همزمان با آخرین روزهای نظام پادشاهی آغاز شده بود. در آن مقطع ارتش از دستور مهم عراق به یگان‌های تحت امرش مطلع شد: تهیه «صورت اسامی» آن دسته از پاسگاه‌های مرزی ایران که بعد از قرارداد ۱۳۵۴ ش. / ۱۹۷۵ م. احداث شده بودند هرچند ارتش، شاید بتوان گفت با نوعی خوش‌بینی، این اقدام عراق را تلاش برای ارزیابی مجدد وضعیت مرزها با هدف «تجهیز و تجدید سازمان پاسگاه‌های مرزی» خود برای مقابله با کردهای شورشی کشورش می‌دانست که در این مقطع زمانی بر دامنه شورش نظامی خود افزوده بودند (ارتش جمهوری اسلامی ایران،^۲ گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۱۸، ۱۳۵۷/۱۲/۴). در کنار تشنج در مرزهای زمینی، در مرزهای آبی در خلیج فارس نیز، ارتش عراق برنامه‌های آماده‌سازی خود را «به مقیاس وسیع‌تر و با حداکثر امکانات آموزشی و به‌ویژه [با] تیراندازی‌های حقیقی» پیش می‌برد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۱۸، ۱۳۵۷/۱۲/۴) در همان حال، عراق قراردادی به ارزش «۱/۶ میلیارد دلار» برای خرید «تجهیزات مدرن نظامی» از فرانسه نیز به امضاء رساند. (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۵۰، ۱۳۵۸/۳/۲) در ادامه کنش‌های خصمانه، دهم خردادماه یک فروند ناوچه عراقی ضمن تجاوز به حریم آبی ایران، «با سرعت کم» از نزدیک اداره بندر خرمشهر عبور کرد و به بررسی «وضعیت داخل گمرک» پرداخت هرچند به دنبال حضور «ناوچه‌های گشت» ایران از منطقه گریخت (آجا،

^۱ برای اطلاع بیشتر درباره آغاز و تعداد تعرضات مرزی عراق به ایران، پس از انقلاب اسلامی، نک: وزارت امور خارجه (۱۳۶۲). تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر حقوقی وزارت امور خارجه.

^۲ از این پس: آجا

گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۵۷، ۱۳۵۸/۳/۱۱) از سوی دیگر، با هدف تقویت گارد مرزی، در خردادماه تعدادی بیسیم پیشرفته و جدید از نوع R-140 به یگان‌های مذکور تحویل داده شد. در کنار آن، دوره‌های آموزشی لازم برای پرسنل گارد مرزی هم برگزار گشت. ارتش با اشاره به افزایش فعالیت «سرویس‌های اطلاعاتی» در منطقه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این اقدام عراق را دارای اهدافی دوگانه ارزیابی می‌کرد: تقویت یگان‌های مرزی و در همان حال تلاش برای «کسب اخبار و اطلاعات بیشتر از رویدادهای مناطق مرزی ایران» (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۵۸، ۱۳۵۸/۳/۱۳). در همین بازه زمانی، عراق جلسه مهمی با حضور فرماندهان آتشبارها و یگان‌های موشکی خود در بغداد هم برگزار کرد که از چشم ارتش دور نماند چراکه در این جلسه نه فقط درباره «حفاظت هوایی بغداد» و مقابله با حملات احتمالی و ناگهانی اسرائیل که پیرامون «روابط ایران و عراق» و نحوه «ارجاع ماموریت‌های احتمالی به این یگان‌ها» برای رویارویی با ایران بحث و تبادل نظر صورت گرفت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۶۱، ۱۳۵۸/۳/۱۶).

چهاردهم خرداد ۱۳۵۸ ش. سخت‌ترین تعرض مرزی عراق از زمان پیروزی انقلاب اسلامی رخ داد: حمله هوایی چهار فروند جنگنده سوخوی عراقی به روستاهای حومه سردشت که کشته و مجروح زیادی نیز بر جای گذاشت. ایران به این اقدام اعتراض شدید کرد و مقامات رسمی کشور از «مداخله احتمالی دولت عراق در دامن زدن به ناآرامی‌های استان خوزستان» سخن گفتند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۶۳، ۱۳۵۸/۳/۱۸). در هر حال، در واکنش به موضع ایران، یگان‌هایی از ارتش عراق «در مناطق مرزی جنوب این کشور» به حالت آماده‌باش درآمدند. ارتش هدف از این تحرکات عراق را نوعی نمایش «آمادگی» به منظور «مقابله با هر نوع حادثه غیرمترقبه ... در صورت بروز برخوردهای احتمالی بین دو کشور» ارزیابی کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۶۳، ۱۳۵۸/۳/۱۸). عراق دست به اقدامات تحریک‌آمیزی دیگری هم می‌زد. به عنوان نمونه می‌توان از پرواز چند فروند هلی‌کوپتر و هواپیما بر فراز مناطق مرزی ایران در اواخر خردادماه و توزیع اعلامیه‌هایی یاد کرد که در آنها نسبت به حمله به برخی از مناطق کردنشین ایران هشدار داده می‌شد. به ادعای عراق، کردهای شورشی این کشور از مناطق مذکور به سوی نیروهای عراقی تیراندازی کنند. (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۷۱، ۱۳۵۸/۳/۲۶).

اواخر خردادماه ۱۳۵۸ ش. از طرف فرماندهی ارتش عراق به کلیه پاسگاه‌های مرزی عراق با ایران، و نیز ترکیه، دستور آماده باش داده شد. ارتش ایران این مساله را ناشی از هراس عراق از «حمله

متقابل» نیروهای ایرانی در پاسخ به تعرضات مرزی اخیر و یا نفوذ دادن عوامل خرابکار به داخل خاک عراق تشخیص داد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۷۳، ۱۳۵۸/۳/۲۸). از سوی دیگر ارتش عراق از بیم جنگنده‌های ایران، پاسگاه‌های یادشده را ملزم به آماده نگه داشتن «سلاح‌های ضد هوایی» خود کرد. به یگان‌های مذکور، دستور آتش در صورت مشاهده هواپیماهای ایرانی نیز داده شده بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۷۳، ۱۳۵۸/۳/۲۸). در همین مقطع زمانی، لشگر پنج پیاده مکانیزه عراق، مسئول حفاظت از مناطق مرزی بصره، از قرارگاه‌های دائمی خود خارج شدند و «به صورت صحرایی» استقرار یافتند. این بار ارتش به صراحت برنامه دولت عراق را ایجاد «مشکلات متعددی» برای ایران خواند و با توجه به «آمدگی رزمی ارتش عراق» برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نسبت به «اجرای عملیات محدود مسلحانه» علیه ایران از سوی عراق هشدار داد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۷۴، ۱۳۵۸/۳/۲۹).

همه این رخدادها در شرایطی به وقوع می‌پیوستند که کارشناسان ارتش، «تقدم عمل شماره یک» عراق را نه «عملیات پاک‌سازی» در مناطق پرآشوب کردنشین شمال که در نواحی جنوب شرقی این کشور می‌دانستند: مناطق هم‌مرز با خوزستان (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۷۵، ۱۳۵۸/۳/۳۰). ارتش پیش‌بینی دیگری نیز داشت که گذر زمان درستی آن را اثبات کرد: در صورت «استمرار و توسعه اختلافات مرزی ایران و عراق»، یگان‌های لشگر یک پیاده مکانیزه عراق، مامور سرکوبی کردهای شورشی این کشور در شمال، نیز به مناطق جنوبی منتقل خواهند شد (پیشین). بی‌تردید چنان لشگر گسترده‌ای تنها یک ماموریت می‌توانست داشته باشد: درگیری نظامی با ایران. در چنین شرایطی، لشگر ۹۲ زرهی خوزستان به صراحت از طرح عراق برای «حمله به خرمشهر و تصرف آن» خبر داد: یعنی حدود پانزده ماه قبل از شروع رسمی جنگ (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۷۵، ۱۳۵۸/۳/۳۰).

بهار ۱۳۵۸ ش. اتفاق مهمی هم در سیاست خارجی عراق رخ داد: حل و فصل اختلافات عراق و سوریه که خطر «درگیری مرزی» میان آنها را نیز منتفی کرد. بازتاب تفاهم احزاب بعث حاکم بر دمشق و بغداد بر ایران واضح بود: عراق با آسودگی خیال می‌توانست تمرکز خود را متوجه نوار مرزی با ایران، به‌خصوص جنوب شرقی خاک خود، کند که به بیان ارتش «در وضع بحرانی به سر می‌برد» (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۷۹، ۱۳۵۸/۴/۴).

تیرماه ۱۳۵۸ ش. عراق شروع به تقویت پاسگاه‌های مرزی خود در مقابل بستان، استان

خوزستان، هم کرد. این پاسگاه‌ها از نظر «پرسنل و تجهیزات ... آمادگی مقابله و رویارویی با هرگونه اتفاق» را داشتند ضمن آنکه چند روز پیاپی دو فروند جنگنده عراقی به حریم هوایی ایران «بین مرز قیطول و سومار» تعرض می‌کردند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۷۹، ۱۳۵۸/۴/۴).

برای ارتش، دیگر «سوءنیت حکومت بعث عراق» نسبت به ایران «محرز و امری مسلم» بود، به‌ویژه که در ناآرامی‌های خردادماه خرمشهر نیز دست داشت. از این رو، اخبار رسیده دال بر قصد این کشور برای انجام «اقدامات خرابکارانه ... در تاسیسات نفتی ایران را ... یک خطر جدی» می‌دانست. قرار بود از دهم تیرماه نیز نیروی دریایی عراق نیز با حضور «ناوها و ناوچه‌های موشک‌انداز خود» اقدام به برگزاری «عملیات نمایشی» در اروندرود کند، برنامه‌ای که به تعبیر ارتش چندان بی‌ارتباط با «تیرگی نسبی روابط دو کشور» نبود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۸۴، ۱۳۵۸/۴/۱۰).

به‌روزرسانی برآوردهای اطلاعاتی ارتش

تیرماه ۱۳۵۸ ش. با توجه به «تجاوزات هوایی اخیر عراق» و تبلیغات خصمانه علیه رسانه‌های گروهی این کشور علیه ایران، ارتش یک بار دیگر آرایش نیروهای عراقی در نوار مرزی را مورد بررسی قرار داد و به ارائه آخرین برآوردهای خود در این زمینه پرداخت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۹۱، ۱۳۵۸/۴/۱۸). سند مذکور با اشاره به آغاز تغییر و تحولات در ارتش عراق از اواخر سال ۱۳۵۷ ش. شروع می‌شود که به انجام «یک سلسله نقل‌وانتقالات و اجرای مانورهای مختلف» در سطوح گوناگون منجر شد و ضمن حفظ سطح «کارایی رزمی یگان‌ها»، آنها را «برای مقابله با هر نوع عملیات احتمالی» آماده می‌کرد. ارتش با اشاره به نگرانی‌های امنیتی عراق درباره اثرات انقلاب اسلامی، تاکید کرد که عراق در کنار «پاکسازی مناطق کردنشین» خود، «اقدامات احتیاطی» در جنوب را نیز پیش‌بینی می‌کرد تا ضمن سرکوب «جنبش احتمالی شیعیان» خود، مناطق مرزی با ایران را هم تقویت کند. بدین صورت، هر زمان که لازم بود، می‌توانست «ضربه‌ای کاری به تاسیسات و پایگاه‌های هوایی مناطق جنوب و غرب ایران» وارد آورد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۹۱، ۱۳۵۸/۴/۱۸).

به‌تدریج مرزها آبدن حوادثی تازه می‌شد. در دهه اول مردادماه ۱۳۵۸ ش. نیروی هوایی ارتش عراق برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی دست به «عملیات شناسایی [هوایی] وسیع» در نوار

مرزی زد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۱۱، ۱۳۵۸/۵/۸). تا آنجاکه اسناد باقی مانده نشان می‌دهند، این نخستین بار از سال ۱۳۵۴ ش. / ۱۹۷۵ م. بود که عراق دست به عملیات هوایی با چنین مقیاس گسترده‌ای می‌زد. ارتش از یک سو «نمایش قدرت» در مقابل ایران و از طرف دیگر «آگاهی از ... نقل و انتقالات نظامی در داخل ایران» را اهداف عراق از انجام این برنامه ارزیابی می‌کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۱۱، ۱۳۵۸/۵/۸). در چنین شرایطی، اوایل مردادماه ۱۳۵۸ صدام حسین، رئیس‌جمهوری جدید عراق، از نزدیک «موقعیت پادگان‌های مرزی عراق» را مورد بازدید قرار داد و بر «تقویت آنها» تاکید کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۱۵، ۱۳۵۸/۵/۱۳).

اواخر مردادماه ۱۳۵۸ ش. ناآرامی‌ها در منطقه پاوه به اوج رسید و عراق نیز «با آگاهی قبلی از حوادث کنونی پاوه» در صدد برآمد با تقویت یگان‌های خود در منطقه، «آمادگی لازم را جهت مقابله با هر نوع حوادث احتمالی» داشته باشد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۲۳، ۱۳۵۸/۵/۲۸). عراق تا جایی پیش رفت که براساس گزارش ژاندارمری میروان، در «پشتیبانی از خرابکاران» نیروهای خود را به مرز ایران آورد و حتی در منطقه مرزی گرمه وارد خاک ایران هم شد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۲۴، ۱۳۵۸/۵/۲۹). نیروی هوایی عراق نیز بیست و نهم مردادماه ۱۳۵۸ ش. عملیات «شناسایی و گشت‌زنی» بر فراز نوارمرزی مناطق کردنشین را انجام داد.

جمع‌بندی قطعی ارتش؛ خطر قریب‌الوقوع حمله عراق

غانله پاوه، نقطه عطفی در تحولات نوار مرزی ایران و عراق هم بود.^۱ از این پس بر کارشناسان اطلاعاتی ارتش مسلم شده بود که خطر حمله عراق بسیار جدی است. از این رو ارتش به پاسخ نظامی در مقابل تعرضات مرزی عراق روی آورد. به دنبال اتخاذ راهبرد دفاعی تازه ارتش در مقابله با عراق، نگرانی این کشور به حدی رسید که در دستورالعملی به یگان‌های پدافندی خود، آنان را در شلیک به آن دسته از «هوایماهای غیرعراقی» آتش‌به‌اختیار کرد که با ورود به حریم هوایی این کشور، «مبادرت به بمباران نمایند» (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۴۶، ۱۳۵۸/۶/۲۴).

^۱ برای اطلاع بیشتر درباره نقش ارتش در سرکوب غانله تجزیه‌طلبانه پاوه، نک: جهانفر، رضا (۱۳۹۹). ارتش، اقتدار و امنیت: نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در تامین اقتدار دفاعی و امنیت. تهران. سوره سبز.

اگرچه در این مقطع بار دیگر برخی اختلافات میان عراق و سوریه ایجاد شده بود، اما به‌سختی می‌توان تصور کرد که نگرانی عراق از کشوری به جز ایران بوده است.

در پاییز سال ۱۳۵۸ ش. خطر از جانب عراق چنان جدی بود که پنجم آبان‌ماه این سال ارتش از قصد یک لشکر عراق برای «حمله به دزلی و درکی» خبر داد هرچند در نهایت عراق از حمله منصرف شد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۸۳، ۱۳۵۸/۸/۵). عراق همچنین به لشکر ۵ مکانیزه خود در منطقه بصره دستور داد تا ضمن «آماده‌باش درجه یک»، وضعیت پاسگاه‌ها و نیروهای ایرانی را نیز به صورت دقیق روی «کالک» تهیه کند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۵۶، ۱۳۵۸/۷/۳).

از نیمه دوم آبان‌ماه ۱۳۵۸ ش. عراق شروع به استقرار «چهار فروند ناو جنگی» در اسکله‌های خود در اروندرود مقابل محل قرارگیری گارد ایرانی جنوب اروندرود کرد. در دهانه ورودی اروندرود و دهانه بندر ام‌القصر نیز ناوچه‌های عراقی به گشت‌زنی مشغول شدند. عراق به این حد اکتفا نکرد و اقدام به شلیک راکت و تیراندازی به سوی پاسگاه‌های ایرانی «میلی‌یار و سعدونی» در اروندرود هم کرد که در نتیجه این حمله، «ساختمان بهداری و بهزیستی سعدونی به‌کلی منهدم گردید» (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۹۳، ۱۳۵۸/۸/۱۷). هشتم آذرماه ۱۳۵۸ ش. نیز عراق به یگان‌های مستقر در مرز عماره اعلام آماده‌باش داد و در عین حال یگان‌های تازه‌ای نیز برای تقویت مواضع خود اعزام کرد. براساس گزارش رسیده به ارتش، قرار بود در صورت حمله نظامی آمریکا به ایران، این یگان‌ها خوزستان را اشغال کنند، اتفاقی که علی‌رغم تنش سنگین میان تهران - واشنگتن رخ نداد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۱۰، ۱۳۵۸/۹/۱۰). با این وجود، مامورین امنیتی عراق سرگرم جمع‌آوری اطلاعات از وضعیت پاسگاه‌ها و نیروهای ایران در مناطق مرزی حومه بصره بودند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۱۰، ۱۳۵۸/۹/۱۰). این مساله بسیار جدی بود به‌خصوص که ارتش خبردار شده بود نیروهای هوایی و زمینی عراق خود را برای عملیاتی نامعلوم آماده می‌کردند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۱۱، ۱۳۵۸/۹/۱۲). در این مقطع و به دنبال وقوع چند تظاهرات خشونت‌آمیز در برخی شهرهای شیعه‌نشین عراق علیه حزب بعث، عراق بر نقل و انتقالات نظامی خود در نوار مرزی افزود و حتی «ارتفاعات و نقاط حساس» در مقابل قصر شیرین را اشغال کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۲۱، ۱۳۵۸/۹/۲۴). در خوزستان نیز تعدادی از تانک‌های عراقی وارد خاک ایران شدند و به طرف گردان ۱۶ دژ در خرمشهر حرکت کردند هرچند بعد از مدتی عقب

نشستند. چند خودروی عراقی نیز از مرز عبور کردند گرچه ارتش معتقد بود آنها «به اشتباه» آمده بودند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۲۲، ۱۳۵۸/۹/۲۵).

زمستان ۱۳۵۸ ش. در حالی فرساید که عراق شروع به احداث «تعدادی انبار مهمات» در نواحی مرزی مقابل بندر خسروآباد در حومه آبادان و نیز فاو کرده بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۲۸، ۱۳۵۸/۱۰/۲). در همین منطقه، گارد مرزی عراق نیز برنامه «ایجاد سنگر و استحکامات نظامی» را پیش می‌برد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۲۹، ۱۳۵۸/۱۰/۳). از سوی دیگر، عراق به تقویت «مراکز دیده‌بانی و کنترل مرزی» خود در مناطق مرزی حومه بصره روی آورد چراکه مدعی تعرض ایران به مراکز یادشده بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۲۸، ۱۳۵۸/۱۰/۲). در همان حال عراق، «یک پایگاه مجهز به رادار و نورافکن» نیز در دهانه اروندرود تاسیس کرد. (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۳۰، ۱۳۵۸/۱۰/۴). در نیمه‌دی ماه ۱۳۵۸ ش. عراق اقدام به ایجاد یک «شبکه استراق سمع وسیع» در امتداد ساحل اروندرود تا دهانه فاو نیز کرد. این شبکه نه تنها نیروی دریایی که یگان‌های مختلف نیروی زمینی و ژاندارمری ایران را هم زیر نظر گرفته بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۳۵، ۱۳۵۸/۱۰/۱۰). عراق کماکان برنامه آموزش زبان فارسی به پرسنل ارتش و مرزبانی خود را ادامه می‌داد و برای این کار حتی مرکز آموزش زبان در سازمان اطلاعات ارتش ایجاد کرده بود. دی‌ماه ۱۳۵۸ ش. خبر رسید که شانزدهمین دوره این آموزش‌ها در حال برگزاری است (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۳۶، ۱۳۵۸/۱۰/۱۱). در این ماه خبری از وزارت خارجه هم برای ارتش ارسال شد. بر مبنای این خبر، عراق قصد حمله به جزایر سه‌گانه خلیج فارس، ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، را داشت. وزارت خارجه حتی مدعی مشاهده «حرکت ناوچه‌های» عراقی به سوی جزایر هم بود. با این حال حمله‌ای در کار نبود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۴۱، ۱۳۵۸/۱۰/۱۷).

نیمه بهمن ماه ۱۳۵۸ ش. ارتش باخبر شد که «گروهان دوم مردان قورباغه‌ای» عراق نیز مواضع خود را در اروندرود تغییر داده است، امری که از آمادگی و برنامه‌ریزی برای مقابله با ایران حکایت می‌کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۵۸، ۱۳۵۸/۱۱/۹). در همین زمان و به دنبال «بالاگرفتن اختلافات مرزی با ایران»، عراق به یگان‌های گارد مرزی و نیز نیروی هوایی خود در شمال کشور دستور آماده‌باش داد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۶۳، ۱۳۵۸/۱۱/۱۶). این آماده‌باش چندی بعد در مرزهای جنوبی نیز داده شد. این بار عراق مدعی بود که ایران قصد حمله و

تصرف نقاطی از آن کشور در منطقه بصره را دارد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۶۶، ۱۳۵۸/۱۱/۲۰). عراق حتی به مین‌گذاری جاده‌های اطراف روستاهایی چون باویسی و ازگله، از توابع قصر شیرین، نیز روی آورد و یک گردان مکانیزه خود را هم در نزدیکی دهلران مستقر کرد. (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۶۴، ۱۳۵۸/۱۱/۱۷). در تحرکی دیگر، از اواخر بهمن ماه ۱۳۵۸ ش. عراق مناطق مرزی با ایران در منطقه اربیل را «کاملاً از سکنه خالی» کرد و یگان‌های رزمی ارتش خود را در این مناطق مستقر کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۲۶۹، ۱۳۵۸/۱۱/۲۴).

هشدار نسبت به حمله سراسری زودرس عراق

فروردین ماه ۱۳۵۹ ش. مقطعی پر آشوب در نوار مرزی ایران با عراق بود و همه چیز حکایت از برنامه گسترده عراق برای تعرض همه جانبه نظامی حکایت می‌کرد. این بار بهانه عراق عبارت بود از دست داشتن ایران در ترور نافرجام طارق عزیز، از رهبران ارشد حزب بعث، در دانشگاه مستنصریه بغداد. به‌خصوص در دهانه خلیج فارس و اروندرود، فروردین ماه، کشتی‌های عراقی با هدف «مراقبت از واحدهای گشتی ایران و ناوهای نیروی دریایی» بیش از گذشته تقویت شدند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۱، ۱۳۵۹/۱/۱۲) ضمن آنکه گروهی از «مردان قورباغه‌ای» عراق روبه‌روی پاسگاه مرزی خسروآباد، حومه آبادان، مستقر شدند و تمرینات خود را در اروندرود انجام می‌دادند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۱، ۱۳۵۹/۱/۱۲). در تحرکی دیگر، ارتش از برنامه عراق برای ایجاد ناامنی در «خطوط آبی اروندرود» به وسیله ایرانیان وابسته خبردار شد. این افراد ماموریت داشتند تا ناوچه‌های نیروی دریایی در اروندرود را منفجر کنند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۲، ۱۳۵۹/۱/۱۴). در ادامه تحریکات هوایی عراق علیه ایران، دوازدهم فروردین ماه، تعداد ۲۰ فروند هواپیمای سوخو در نزدیکی مرز قصرشیرین به پرواز درآمدند. براساس اسناد موجود، این گسترده‌ترین عملیات هوایی ایذایی عراق دست‌کم از زمان وقوع انقلاب اسلامی بود. عراق حتی برنامه مانور نیروی دریایی خود «در دهانه فاو» را در دستور کار داشت. هرچند این مانور، در آب‌های ساحلی ایران نبود، اما ارتش تدابیر پیش‌گیرانه و احتیاطی را به موقع اجرا گذاشت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۲، ۱۳۵۹/۱/۱۴).

از فروردین ماه ۱۳۵۹ ش. ارتش دیگر هر لحظه آماده وقوع جنگ بود چراکه «روابط سیاسی ایران و عراق از مرحله حداقل احترامات متقابل گذشته» بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره

۱۳، ۱۳۵۹/۱/۱۵). ارتش نگاهی هم به مصاحبه رادیوتلوویزیونی سیزدهم فروردین ماه ۱۳۵۹ ش. رئیس‌جمهوری عراق انداخت. در این مصاحبه، صدام تهدید کرده بود که عراق «دیگر نمی‌تواند ساکت بنشیند»، تهدیدی آشکارا علیه ایران. در عین حال از «نقل و انتقالات یگان‌های نظامی عراق در نزدیکی مرزهای ایران»، تقویت پاسگاه‌های مرزی و نیز «در حال آماده‌باش بودن واحدهای ارتش عراق» سخن گفت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۲، ۱۳۵۹/۱/۱۴). عراق چنان خود را مهیا برای جنگ می‌کرد که حتی به تمام نیروهای مرزبانی خود دستور داد تا اطراف پاسگاه‌های مرزی را مین‌گذاری کنند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۵، ۱۳۵۹/۱/۱۷). در حرکتی دیگر، عراق سرنشینان یک «قایق گشتی ایرانی» را در مرزهای آبی دهانه خلیج فارس دستگیر و به بصره برد. تا از آنجا که از اسناد موجود برمی‌آید، این اتفاق، دست‌کم، یکی از نخستین مواردی بود که عراق نیروهای نظامی ایران را به اسارت می‌گرفت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۵، ۱۳۵۹/۱/۱۷). در این زمان، سنگین‌ترین درگیری‌ها در پاسگاه‌های باویسی و تیله‌کوه از توابع قصر شیرین به وقوع پیوست چراکه حملات زمینی عراق از پشتیبانی توپخانه و هلی‌کوپتر نیز برخوردار بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۹، ۱۳۵۹/۱/۲۱).

خردادماه ۱۳۵۹ ش. در شرایطی آغاز شد که عراق بخشی از نیروی هوایی خود را به منطقه مرزی مقابل آبادان منتقل کرد. هدف از این کار به‌ظاهر «مانور» بود اما در عین حال «قدرت ضربتی نیروی هوایی خودی و عکس‌العمل‌های توپخانه ضد‌هوایی ایران» ارزیابی می‌شد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۶۲، ۱۳۵۹/۳/۲). عراق به تجدیدنظر در برنامه‌های نظامی خود در نوار مرزی هم روی آورده بود و به دنبال «طرح‌ریزی آتش پیوسته» در سرتاسر نوار مرزی بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۷۶، ۱۳۵۹/۳/۱۶). نیمه دوم خردادماه ۱۳۵۹ ش. هم شایعاتی در عراق منتشر شد که براساس آنها، دولت این کشور «با همکاری نیروهای مصری و پشتیبانی آمریکا» قصد حمله به خاک ایران را داشت. قابل‌تامل است که ارتش حتی از کنار این نوع اخبار نیز به سادگی نمی‌گذشت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۷۷، ۱۳۵۹/۳/۱۷).

عراق تا جایی از برنامه‌های نظامی ایران نگران بود که یگان‌های خود در نوار مرزی را موظف کرد تا روزانه دو بار، هر دوازده ساعت، نقل و انتقالات یگان‌های ایرانی، میزان سلاح و مهمات آنها و نیز برخورد‌های مرزی و خسارات وارده را گزارش کنند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۸۱، ۱۳۵۹/۳/۲۱). عراق همچنین به دنبال آن بود تا هوایم‌های ایرانی در حال پرواز بر فراز نوار مرزی را

در خاک خود به زمین بنشانند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۸۵، ۱۳۵۹/۳/۲۵). عملیات هوایی عراق در نوار مرزی در اواخر خردادماه زیاد شده بود. این عملیات عموماً جنبه تعرض به حریم هوایی ایران و ایذایی داشت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۸۸، ۱۳۵۹/۳/۲۸).

با فرارسیدن فصل تابستان، برای چند روز حجم عملیات ایذایی عراق علیه ایران در مرزها کاسته شد اگرچه عراق درصدد «تجدید سازمان و ... آرایش» دوباره نیروهای خود نیز بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۹۰، ۱۳۵۹/۳/۳۰). اما عراق یکبار به نیروهای نظامی خود ابلاغ کرد که «پلاک‌های هویت خود را به گردن بیاویزند». در تحلیل این خبر، ارتش احتمال می‌داد که عراق قصد حمله «به پاسگاه‌های مرزی ایران از قصر شیرین به [طرف] جنوب» را داشته باشد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۹۶، ۱۳۵۹/۴/۵). با این وجود، تحرکات عراق از حد «تجاوزات محدود زمینی» فراتر نرفت. (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۹۹، ۱۳۵۹/۴/۸). اما شاید یکی از مهمترین اقدامات عراق، در تیرماه ۱۳۵۹، در مرزهای جنوبی صورت گرفت: احداث جاده‌ای مرزی در منطقه هورالعظیم که «سه متر از سطح آب» ارتفاع داشت. شکی وجود نداشت که چنین جاده‌ای در آینده تنها «کاربرد نظامی» داشت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۱۰، ۱۳۵۹/۴/۱۰۲).

پس از یک دوره آرامش نسبی، پانزدهم و شانزدهم تیرماه ۱۳۵۹، نیروهای عراقی شهر قصرشیرین و برخی از پاسگاه‌های مرزی تابعه آن را با «سلاح سنگین» مورد حمله قرار دادند. این حمله که با «تیراندازی شدیدی» همراه بود، خسارات قابل توجهی به بار آورد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۰۸، ۱۳۵۹/۴/۱۷). هجدهم تیرماه ۱۳۵۹ ش. هم روزی مهم بود. گزارشات ارتش از این روز مملو از حملات عراق به مناطق مرزی است. بیشتر یگان‌های ارتش و ژاندارمری در این روز درگیر مقابله با تهاجمات عراق بودند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۰۹، ۱۳۵۹/۴/۱۸). حتی حملات هوایی عراق هم به نقاط مختلف نوار مرزی در مناطق کردنشین بیشتر شده بود. تعرضات هوایی عراق حتی تا شهر ایلام هم رسیده بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۱۰، ۱۳۵۹/۴/۱۹). به نظر می‌رسد این حوادث بی‌ارتباط با ماجرای نباشد که بعدها به «کودتای نوژه» مشهور شد چراکه بر اسناد و مدارک موجود، عراق وظیفه بر هم زدن تمرکز نیروهای نظامی و امنیتی

ایران را برعهده داشت تا کودتاگران با حداقل مانع برنامه خود را پیش ببرند.^۱

در هر حال، عراق با استفاده از فرصت، بر شدت و تعداد حملات خود به نواحی مرزی افزود، حملاتی که گاه تا سرپل ذهاب هم می‌رسید (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۱۴، ۱۳۵۹/۴/۲۳). دیگر روزی نبود که گزارشی از حملات گسترده عراق ثبت نشود. نقل و انتقالات وسیعی هم در یگان‌های عراق صورت می‌گرفت تا به تعبیر ارتش «یگان‌های در خط» تعویض شوند و حملات با نیروهای تازه‌نفس ادامه یابد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۱۶، ۱۳۵۹/۴/۲۵). در مواردی ارتش عراق «آتش فریبنده» اجرا می‌کرد تا دور از چشم مرزبانان ایرانی، گروه‌های خرابکار را به درون ایران نفوذ دهد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۱۶، ۱۳۵۹/۴/۲۵). با این حساب، ارتش معتقد بود که با توجه افزایش تجاوزات زمینی و هوایی عراق، «احتمال درگیری‌های بیشتر در مرز بین ایران و عراق متصور است» (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۱۷، ۱۳۵۹/۴/۲۶).

عراق فقط به تجمع و تقویت نیروهای خود پشت مرزها اکتفا نمی‌کرد بلکه پاسگاه‌های مرزی استان‌های کرمانشاه و ایلام را زیر آتش سنگین گرفته بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۲۴، ۱۳۵۹/۵/۲). قصرشیرین، نفت‌شهر و سومار از جمله شهرهایی بودند که در این حملات آسیب زیادی دیدند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۲۴، ۱۳۵۹/۵/۲). در واقع، محور اصلی تعرضات عراق نواحی مرزی کرمانشاه و ایلام بود: آسیب‌پذیرترین نقاط مرزی ایران. هرچند آرامش بیشتری در مرزهای جنوبی حاکم بود، اما این مناطق هم به کلی خالی از تنش نبودند. اوایل مردادماه، عراق به روی یک واحد گشت مرزی ایران در خرمنشهر آتش گشود هرچند با پاسخ نیروهای ایرانی مواجه شد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۳۱، ۱۳۵۹/۵/۹). با این حال قابل توجه است که یگان‌های عراقی علی‌رغم «پیش‌روی تا خط مرزی»، از مرزها عبور نمی‌کردند و از همان داخل خاک خود به شلیک توپخانه و خمپاره و تیراندازی ادامه می‌دادند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۳۴، ۱۳۵۹/۵/۱۲).

نیمه دوم مردادماه ۱۳۵۹ ش. شایعاتی در مناطق کردنشین منتشر شد که براساس آنها، بعد از ماه

۱ برای اطلاع بیشتر از اثرات «کودتای نوژه» بر ارتش و قدرت دفاعی ایران در مقابل عراق، نک: عسگری، شادب (۱۳۹۸). قدر مطلق یک توطئه: کودتای نقاب به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مبارک رمضان که همزمان با مردادماه بود، نیروهای عراقی همراه با کردهای شورشی قصد دست زدن به «یک تهاجم گسترده در منطقه مرزی قصرشیرین» را داشتند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۴۱، ۱۳۵۹/۵/۱۹). گرچه حمله‌ای رخ نداد اما پخش این نوع اخبار جعلی می‌توانست نشانی دال بر وجود برنامه جنگ روانی وسیع عراق باشد. از سوی دیگر، با وجود فرارسیدن عید فطر، عراق مرخصی همه نیروهای نظامی در استان سلیمانیه را لغو کرد. به باور ارتش، این اقدام مقدمه‌ای بود بر به حال آماده‌باش کامل در آمدن ارتش عراق (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۴۳، ۱۳۵۹/۵/۲۱). در هر حال در آخرین روز از مردادماه ۱۳۵۹ ش. ارتش از احتمال «حمله محلی و محدود یا گسترده» عراق خبر داد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۵۳، ۱۳۵۹/۵/۳۱).

خطر قطعی و هشدارهای روزانه درباره تهاجم سراسری عراق

شهریورماه ۱۳۵۹ ش. در شرایطی آغاز شد که دیگر هشدار نسبت به احتمال حمله سراسری عراق، بخشی جدایی‌ناپذیر از گزارشات و دغدغه‌های روزانه ارتش بود. تجاوزات هوایم‌های عراقی به آسمان ایران تبدیل به یک موضوع روزمره شده بود. تقریباً اکثر پاسگاه‌های مرزی ایران در استان کرمانشاه مورد تهاجم سنگین بود و ارتش در کنار ژاندارمری و سپاه مشغول دفع حملات بودند. با این حال ناآرامی در مناطق مرزی ایلام و خوزستان هنوز چندان شدید نبود. در حقیقت در این زمان عراق اقدام به انتقال «تجهیزات، مهمات و آذوقه» از نقاط مختلف خاک خود به نوار مرزی با ایران کرده بود. این امر در راستای تقویت هرچه بیشتر پاسگاه‌های مرزی به شمار می‌رفت. ضمن آنکه «استحکامات و مواضع بتونی و پناهگاه‌های پیشرفته‌ای» ایجاد کرده و همچنان نیروهای خود را در وضعیت آماده‌باش نگاه داشته بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۵۶، ۱۳۵۹/۶/۳). عراق حتی تعداد نگهبانان و گشتی‌های خود در مقابل خرمشهر و آبادان را «دو برابر» کرده بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۵۷، ۱۳۵۹/۶/۴). ایران نیز خود را برای مقابله آماده می‌کرد و حتی در نظر داشت تا «پاسگاه‌های از بین رفته» را بازسازی کند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۶۰، ۱۳۵۹/۶/۷). در منطقه خرمشهر، ارتش خطر را بسیار جدی ارزیابی می‌کرد و از حضور دو هزار نفر از نیروهای عراقی، همراه با تانک، در حوالی آخرین پاسگاه مرزی ایران خبر و احتمال داد که به‌زودی حمله را آغاز کنند. در این مقطع، «هشتاد درصد نیروهای زرهی عراق» به مناطق مرزی با ایران منتقل شده و در تدارک «یک حمله گسترده» به خاک ایران

بودند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۶۴، ۱۳۵۹/۶/۱۱).

از قرار معلوم مقامات عالی‌رتبه عراق کاملاً عزم خود را برای حمله جزم کرده بودند چراکه حتی به اهالی مناطق مرزی با ایران دستور داده بودند تا ظرف یک هفته روستاهای مرزی را تخلیه کنند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۶۵، ۱۳۵۹/۶/۱۲). در این مقطع تقریباً همه پاسگاه‌های مرزی ایران، از شمال استان کرمانشاه تا دهانه خلیج فارس، زیر آتش سنگین عراق بود. (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۷۱، ۱۳۵۹/۶/۱۸). در دهه آخر شهریورماه ۱۳۵۹، نوار مرزی خوزستان نیز به تدریج درگیر تهاجمات سازمان‌یافته و مستمر عراق شد هرچند همچنان محور اصلی تعرض عراق هنوز در استان‌های کرمانشاه و ایلام بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۷۳، ۱۳۵۹/۶/۲۰). «شدت حملات و کمبود نیرو» موجب می‌شد که پاسگاه‌های مرزی، و نیز ارتفاعات، این مناطق یکی پس از دیگری سقوط کنند. به عنوان نمونه، فقط در یک مورد، «حدود یکصد دستگاه تانک» عراقی در حال پیش‌روی به سوی پاسگاه‌های مرزی انجیره و شور شیرین در استان ایلام بودند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۷۴، ۱۳۵۹/۶/۲۱).

بیست‌وسوم شهریورماه ۱۳۵۹ ش. نیروی زمینی تحلیل بسیار مهمی درباره برنامه اصلی عراق برای تهاجم به ایران ارائه کرد: تجاوزات مرزی عراق در استان‌های کرمانشاه و ایلام در کنار «گسترش اخیر یگان‌های عراق در مرزهای خوزستان» نشان می‌دهد که «حمله اصلی عراق متوجه خوزستان» خواهد بود. از این رو پیش‌بینی می‌کرد که «تک نیروهای عراقی» به مناطقی چون خوزستان تشدید می‌شود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۷۶، ۱۳۵۹/۶/۲۳). یک هفته بعد، صحت ارزیابی‌های نیروی زمینی ثابت شد. در محور خرمشهر، عراق خود را آماده حمله‌ای همه‌جانبه می‌کرد. در کنار گزارش‌های رسیده، شواهد زیادی هم وجود داشت، از رویت تعدادی از تکاوران ارتش عراق مقابل پایگاه دریایی خرمشهر گرفته تا افزایش نفرات و ادوات زرهی، به‌خصوص تانک. «به تیپ ۲ گارد مرزی عراق» هم دستور داده شد که به محض رسیدن «واحدهای تقویتی»، خرمشهر را زیر آتش بگیرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۷۷، ۱۳۵۹/۶/۲۴). در منطقه آبادان نیز عراق برنامه احداث سنگر و قطع درختان نخل را پیش می‌برد. (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۷۹، ۱۳۵۹/۶/۲۶). عراق چنان مطمئن از خود بود که حتی صد دستگاه خودروی «حامل توپ و ضدهوایی» و آماده برای «تیراندازی به سوی ایران» را در منطقه فاو مستقر کرد، بدون آنکه آنها را «استار» کند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۸۱،

۱۳۵۹/۶/۲۸). با توجه به درگیری سخت نیروهای ایران با کردهای شورشی در استان کردستان، عراق چنان خیالش از این محور راحت بود که دو لشکر خود را از کرکوک و سلیمانیه به نوار مرزی استان کرمانشاه اعزام کرد تا عملیات تسخیر پاسگاه‌های مرزی این مناطق را با سرعت بیشتری انجام دهد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۸۲، ۱۳۵۹/۶/۲۹).

بیست و پنجم شهریور ۱۳۵۹ ش. بعد از مدتها کش و قوس، بالاخره عراق قرارداد صلح ۱۳۵۴ ش. / ۱۹۷۵ م. را به طور یکجانبه لغو کرد. تا شروع رسمی جنگ همه‌جانبه چند روزی بیشتر باقی نمانده بود. سی‌ام شهریور سرتاسر نوار مرزی با عراق یکپارچه آتش شد. در حقیقت می‌توان شروع جنگ سراسری را سی‌ام و نه سی‌ویکم شهریورماه ۱۳۵۹ دانست. در هر حال در آخرین روز از شهریورماه ۱۳۵۹، با بمباران هوایی یازده فرودگاه ایران از جمله فرودگاه مهرآباد تهران جنگ به طور رسمی آغاز شد که البته بررسی آن خارج از موضوع مقاله حاضر است.

نتیجه گیری

همچنان که آمد، یکی از فرضیات مطرح درباره ارتش جمهوری اسلامی ایران در پژوهش‌های گوناگون درباره آغاز جنگ تحمیلی، فقدان برآورد دقیق اطلاعاتی از تحرکات نظامی عراق و در نتیجه غافلگیری در مقابل تهاجم سراسری عراق به ایران شهریورماه ۱۳۵۹ ش. است. حال آنکه با استفاده از برخی اسناد و مدارک موجود در بایگانی‌های راکد ارتش جمهوری اسلامی ایران در حد فاصل سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ ش. یعنی از مقطع پیروزی انقلاب اسلامی تا تهاجم سراسری عراق به خاک ایران و با کاربست روش توصیف تاریخی، مشخص گشت که ارتش جمهوری اسلامی ایران رصد دقیق تحرکات نیروهای مسلح عراق را پس از پیروزی انقلاب اسلامی کماکان ادامه داد و با ارائه برآوردی واقع‌بینانه از توان نظامی پایین‌تر ایران در مقابل عراق، به دنبال برهم خوردن موازنه قوا، حداقل از خردادماه ۱۳۵۸ ش. پیوسته احتمال حمله کشور همسایه را پیش‌بینی می‌کرد و آن را به سطوح راهبردی کشور گزارش می‌داد.

به عبارت دیگر، پژوهش حاضر نشان داد نه تنها فرضیه نبود برآورد اطلاعاتی دقیق و به دنبال آن غافلگیری ارتش جمهوری اسلامی ایران در برابر تهاجم عراق به ایران در شهریورماه ۱۳۵۹ ش. ابطال می‌شود که حتی مشخص گردید مهمترین نیروی نظامی کشور، در مقطع زمانی مورد بحث، ضمن ارائه برآوردهای اطلاعاتی شفاف و پیش‌بینی‌های متعدد و انعکاس مکرر خطر حمله عراق به رده‌های تصمیم‌ساز، در حد مقدمات زمانه، تدابیری نیز برای مقابله با وقوع حمله طراحی کرده

بود گرچه به علت شرایط پرتهاپ حاکم بر کشور، گزارشات ارتش جمهوری اسلامی ایران منجر به تصمیم‌گیری‌های عملی در سطوح راهبردی نمی‌شد.

منابع

- ارتش جمهوری اسلامی ایران (۵۹-۱۳۵۳). گزارش‌های نوبه‌ای روزانه. تهران: معاونت عملیات ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- جهانفر، رضا (۱۳۹۹). ارتش، اقتدار و امنیت: نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در تامین اقتدار دفاعی و امنیت. تهران. سوره سبز.
- حسینی، سید یعقوب (۱۳۸۷). تاریخ نظامی جنگ تحمیلی. تهران: هیات معارف جنگ شهید سپهد علی صیاد شیرازی.
- حسینی، سید یعقوب (۱۳۸۷). طرح عملیاتی دفاعی ابوذر. تهران: هیات معارف جنگ شهید سپهد علی صیاد شیرازی.
- حضرتی، حسن (۱۳۹۷). روش پژوهش در تاریخ‌شناسی. قم: لوگوس.
- درودیان، محمد (۱۳۹۸). تأملی دوباره بر موضوع غافلگیری در جنگ به همراه یادداشتی از امیر بختیاری. تهران: تارنمای شخصی نویسنده.
- زندفرد، فریدون (۱۳۸۳). خاطرات خدمت در وزارت امور خارجه. تهران: آبی.
- شهیدزاده، حسین (۱۳۸۲). ره‌آورد روزگار: گزیده خاطره‌ها، همراه با نقدهای مقطعی از وضع سیاسی - دیپلماسی ایران در سالهای پیش از انقلاب. تهران: اطلاعات.
- عسگری، شاداب (۱۳۹۸). قدر مطلق یک توطئه؛ کودتای نقاب به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- علائی، حسین (۱۳۹۱). روند جنگ ایران و عراق. تهران: مرز و بوم.
- وزارت امور خارجه (۱۳۶۲). تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر حقوقی وزارت امور خارجه.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۶). انقلاب در بحران. تهران: دفتر نشر معارف اسلامی.